

تصحیح

میرهاشم محدث

بیان المحمود

(تذکره‌ای در فنّ مشاعره)



محمود میرزا قاجار

(په سال ۱۲۴۰ هـ. ق.)





استاد میر هاشم محدث در سال ۱۳۳۱ در محله پانچنار تهران در خاندانی علمی به دنیا آمد. پدرش مرحوم دکتر میر جلال الدین محدث ارموی - استاد دانشکده های الهیات و ادبیات دانشگاه تهران - از بزرگترین مصححان ایران و دایی های ایشان مرحومان جلال آل احمد و شمس آل احمد و دایی مادر بزرگش مرحوم

شیخ آقا بزرگ طهرانی مؤلف الذریعة - بزرگترین کتابنامه شیعه - همگی از عالمان و نویسندگان نامدار بوده اند. میر هاشم محدث سالها ریاست کتابخانه مؤسسه لغتنامه دهخدا را بر عهده داشت و در سال ۱۳۹۱ با رتبه استادیاری دانشگاه تهران بازنشسته شد.

محدوده کارهای استاد محدث تصحیح متون خطی تاریخی ایران (بعد از اسلام) و تصحیح تذکرة های فارسی و متون طبی و طبیعی است و تاکنون توانسته بیش از شصت و پنج جلد کتاب را تصحیح و چاپ کند که از آن جمله است: مرآة البلدان، ترجمه آثار البلاد، تذکرة سرو آزاد، خلد برین، مجمع الانساب شبانکاره ای، درع الصحة، نزهة القلوب حمد الله مستوفی (متن کامل)، تذکرة آتشکده آذر (نیمه دوم) و برخی آثار اعتماد السلطنه. کتاب حاضر نگاشته یکی از شاعران دانشمند قاجار است در موضوع مشاعره که این روزها طرفداران بسیاری پیدا کرده است.

ISBN 964-423-995-4



9 789644 239953

تهران: انتشارات اطلاعات، روزنامه اطلاعات
شماره پستی: ۱۳۶۸۳۱۱
کتاب: ۷۷۷۷۶۸-۶
پخش و فروش: ۷۷۷۷۷۷



انتشارات اطلاعات

بیان‌المحمود

(تذکره‌ای در فن مشاعره)

از

محمود میرزا قاجار

(به سال ۱۲۴۰ هـ.ق)

تصحیح

میرهاشم محدث



انتشارات اطلاعات
تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه: محمود میرزا قاجار، ۱۲۱۴-۱۲۷۱ ق
 عنوان و نام پدیدآور: بیان‌المحمود: تذکره‌ای در فن شاعره / از محمود میرزا قاجار؛ تصحیح میرهاشم محدث
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴
 مشخصات ظاهری: ۴۴۸ ص.: مصور
 شابک: 978-964-423-995-3
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: شعر فارسی - مجموعه‌ها
 موضوع: شاعران ایرانی - سرگذشتنامه - متون قدیمی تا قرن ۱۴
 شناسه افزوده: محدث، میرهاشم، ۱۳۳۱ - ، مصحح
 شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ب۹ م/۳۱/۴۰۳۱ PIR
 رده‌بندی دیویی: ۸۱۰/۱۰۰۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۰۰۲۷۲



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۳۹۹۵۳۱۱۱
 تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵۶
 فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶
 فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

بیان‌المحمود

نوشته محمود میرزا قاجار
 به تصحیح میرهاشم محدث
 صفحه‌آرا: رحیم رضایی
 طراح جلد: رضا گنجی
 حروف‌نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
 شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 چاپ اول: ۱۳۹۴
 قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۹۹۵-۳ ISBN: 978-964-423-995-3

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

از کنه کمال تو خرد آمده قاصر
وز ذکر جمال تو زبانها همه اخرس
(محمود میرزا قاجار)

پیشگفتار

بیان‌المحمود تذکره شعرای دوره قاجاریه است، اما نه مانند تذکره‌های رایج دیگر. در کتابهای ترجمه شعرا معمولاً شاعر معرفی می‌شود، سپس چند بیت از اشعارش به دنبال شرح حال می‌آید؛ اما این تذکره در ابتدا شعرا را در یک یا دو سطر معرفی کرده، سپس اشعار را به ترتیب اول و آخر آنها آورده و مقصود از تألیف آن، پدید آوردن کتابی بوده که در فن مشاعره به کار آید، و از این لحاظ در این زمینه یگانه و منحصر به فرد می‌باشد.

شرح حال محمود میرزا قاجار

محمود میرزا قاجار پسر پانزدهم فتحعلی‌شاه قاجار متولد ۱۲۱۴ هجری قمری از بطن مریم خانم اسرائیلیه، از شاهزادگان باسواد قاجار و صاحب تألیفات متعدد بود. وی در سال ۱۲۳۸ قمری حاکم نهاوند و در سال ۱۲۴۱ حاکم لرستان شد. مدت حکومت لرستان او ده سال یعنی تا فوت فتحعلی‌شاه قاجار طول کشید. در نهاوند، در ایام حکومت خویش قلعه روئین‌دز را بنا کرد.

پس از آنکه محمدشاه در رمضان ۱۲۵۰ قمری بر تخت پادشاهی نشست، بسیاری از شاهزادگان که فرزندان بلافصل فتحعلی‌شاه بودند، به سلطنت برادرزاده تمکین نکردند. میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام - صدراعظم محمدشاه - آنان را به عناوین

مختلف یکی پس از دیگری به طهران آورد، از آن جمله همین محمود میرزا حاکم لرستان بود. مأموران حکومتی بنا به دستور قائم‌مقام او را در ذیقعدۀ همین سال در آنجا گرفتار و به پایتخت روانه کردند. وی تا اوایل سال ۱۳۵۱ با جمعی از شاهزادگان توقیف و تحت نظر قرار گرفت.

پس از آنکه محمدشاه، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی را در سلخ صفر ۱۲۵۱ کشت، محمود میرزا و ده نفر از شاهزادگان^۱ را نیز در چهارم ربیع‌الاول همین سال دسته‌جمعی به اردبیل تبعید و در آنجا به بند کشید و هنگامی که ناخوشی طاعون در اردبیل شیوع یافت، شاهزادگان را موقتاً به تبریز انتقال دادند و پس از رفع طاعون، دوباره به اردبیل بازگرداندند. در این بین جمعی از آنان به سردستگی و راهنمایی علینقی میرزا رکن‌الدوله وسایلی برانگیختند و درصدد فرار به روسیه برآمدند. محمود میرزا و محمدحسین میرزا حشمة‌الدوله که این موضوع را کم و بیش فهمیده بودند، برای اینکه در آینده خود را بی‌تقصیر جلوه دهند و از شکنجه و عقوبات بعدی مصون و محفوظ بمانند، مراتب را به حاج علی‌اصغر خواجه‌مازندرانی - وزیر مهدیقلی میرزا حاکم اردبیل - گوشزد کردند. او برای بازرسی از احوال شاهزادگان به زندان آمد، اما چیزی درک نکرد و رفت. سرانجام چهار نفر از شاهزادگان: رکن‌الدوله، کشیکچی‌باشی، ظل‌السلطان، و نصرالله میرزا - پسر رکن‌الدوله - پس از دو سال و یک ماه زندانی کشیدن^۲ از نقبی که قبلاً مقنی آن را کنده بود، به خارج قلعه راه یافتند و به روسیه گریختند. پس از فرار آنان، دولت بقیۀ شاهزادگان را به تبریز کوچاند و در آنجا با مراقبت و مواظبت بیشتری تحت نظر قرار گرفتند و به مرور ایام بیشترشان در آنجا درگذشتند.

محمود میرزا، مانند پدر و اکثر برادرانش پراولاد بود و سی و چهار فرزند داشت که نصف آنان پسر بودند.^۳

۱. حسنعلی میرزا شجاع‌السلطنه، محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه، علینقی میرزا رکن‌الدوله، امام ویردی میرزا کشیکچی‌باشی، شیخعلی میرزا شیخ‌الملوک، اسماعیل میرزا، علی‌خان ظل‌السلطان (پسران فتحعلی‌شاه) بدیع‌الزمان میرزا صاحب‌اختیار، نصرالله میرزا و محمدحسین میرزا حشمة‌الدوله (نواده‌های فتحعلی‌شاه).

۲. از ربیع‌الاول ۱۲۵۱ تا ربیع‌الثانی ۱۲۵۳ هجری قمری.

۳. تاریخ رجال ایران، تألیف مهدی بامداد، ج ۴، ص ۵۱ با تغییر یکی دو عبارت.

سال فوت وی معلوم نیست، ولی بنا به نوشته علامه فقید شیخ آغابزرگ طهرانی تا سال ۱۲۷۱ در قید حیات بوده است.^۱

آثار محمود میرزا قاجار

محمود میرزا از فرزندان فاضل و باسواد فتحعلی شاه قاجار است. مرحوم دکتر عبدالرسول خیام‌پور در مقدمه «سفینه‌المحمود»^۲ بیست و یک کتاب از او نام می‌برد که چون این سفینه بسیار نایاب است، و نیز به پاس بزرگداشت و ذکر خیر از ایشان فهرست آثار محمود میرزا را از آنجا نقل می‌کنم:

۱- سفینه‌المحمود در ذکر احوال و اشعار فتحعلی شاه و شاهزادگان و ملتزمان رکاب و شعرای معاصر. این کتاب را مرحوم دکتر عبدالرسول خیام‌پور تصحیح کرد و در سال ۱۳۴۶ در دو جلد در دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز چاپ شد.

۲- منتخب‌المحمود، در ذکر احادیث و معجزات نبوی.

۳- گلشن محمود، در شرح احوال و اشعار تعدادی از پسران و نوادگان فتحعلی شاه. این کتاب را نگارنده این سطور تصحیح کرده و در سال ۱۳۸۴ در گنجینه بهارستان (تاریخ - ۱) به چاپ رسیده است. گلشن محمود برای بار دوم حروفچینی و در سال ۱۳۹۴ توسط نشر سفیر اردهال منتشر شده است.

۴- مخزن محمود، در کیفیت احوال و خوارق عادات عرفا.

۵- تذکره السلاطین، تاریخ ایران از کیومرث تا زمان مؤلف به اختصار.

۶- درر‌المحمود، اشعار مؤلف است.

۷- بیان‌المحمود (کتاب حاضر).

۸- محمودنامه، رساله‌ای است در توقیعات دلکش و حکایات خوش و لطایف

دلپذیر و نصایح.

۹- رؤیای صادقه، در رؤیائی که فتحعلی شاه دیده و تأثیر کلی بخشیده است.

۱۰- نصیحه‌المحمود، که در اندرز به فرزندش مسعود است.

۱. الذریعه، ج ۹، بخش ۳، ص ۱۰۱۱ ذیل دیوان محمود قاجار، و ج ۱۲، ص ۱۹۷ ذیل سفینه‌المحمود.

۲. چاپ دانشکده ادبیات تبریز، ص یه.

- ۱۱- سنبلستان، در ذکر احوال برخی از نسوان.
 - ۱۲- پرورده خیال، رساله‌ای است در مکاتبات عشاق.
 - ۱۳- نقل مجلس، در احوال و اشعار پردگیان سرادق سلطانی و شعرای نسوان.
 - ۱۴- مقصود جهان، در شرح احوال و اطوار طوایف لرستان.
 - ۱۵- صاحب‌نامه.
 - ۱۶- تحفه شاهی.
 - ۱۷- مبکی العیون، هزار بیت در مرثی است.
 - ۱۸- کتاب حدیث.
 - ۱۹- تاریخ صاحبقرانی - تاریخ خاندان قاجار است که در سال ۱۲۴۸ آن را آغاز و در ۱۲۴۹ به پایان رسانده است. در دیباچه می‌گوید: فتحعلی‌شاه تاریخ رویدادهای سی‌وهشت ساله پادشاهی خود را خواسته، مترسلان درباری با الفاظ پیچیده به تاریخ‌نگاری پرداختند. شاه از من خواست تا این کار را به شیوه درست انجام دهم. آنگاه از تبار این دودمان آغاز می‌کند و سران ایل قاجار را تا آغامحمدخان یاد می‌کند. سپس سرگذشت آغامحمدخان و رویدادها را تا ۱۲۴۹ سال به سال یاد می‌کند. این کتاب را بانوی فاضله سرکار خانم دکتر نادره جلالی تصحیح کرده‌اند و در سال ۱۳۸۹ به همت انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی چاپ شده است.
 - ۲۰- مرآت محمدی، در احوال رجال و نسوان و معبران و منجمان و فقیهان و حکیمان و خطاطان و منشیان و امرا و وزرا و عرفا و شعرا.
 - ۲۱- محمود المراثی.
- میرزا فضل‌الله خاوری حسینی شیرازی که خود از برکشیدگان دودمان قاجار و چندین سال ندیم و انیس محمود میرزا قاجار بوده دربارهٔ مخدوم خود چنین می‌نویسد: «نواب محمود میرزا از بطن مستوره بنی اسرائیلیه شیرازیه و در مراحل جلالت و بزرگی صاحب قانون و رویه است. شاهزاده‌ای است غیور و پیوسته سرمست از بادهٔ غرور. با وجود خویش احدی را در روزگار خویش موجود نمی‌شمارد و از مقام سلطنت پای فروتر نمی‌گذارد و در محفل ملکزادگان از ایشان دور نشسته حرفی از لا و نعم به زبان نمی‌راند زیرا که احدی را قابل مخاطبت خویش نمی‌داند. بی‌نهایت مربی

ارباب کمال بود و جمعی کثیر از اهل هر فن را در دیار خویش پرستاری می نمود، و در اکثری از فنون کمالات تبعی کامل به هم رسانیده خاصه در فن نظم و نثر که سرآمد امثال و اقران گردیده است. تألیفات بسیار در نظم و نثر ترتیب داده و رسم تازه ای در بنای سخنوری نهاده است. استکشاف این مرحله موقوف به دیدن است نه مصروف از شنیدن. مصرع:

شنیدن کی بود مانند دیدن

از بدو اوقات طفولیت در مراتب نثر و نظم به حقیرش اعتمادی زیاد بود و از طبع خام این ناتمام استفاده کمالات ظاهری می نمود و خیالات حقیر را با اذن و بی اذن داخل دفتر می کرد و این مرحله را نیز داخل کمالات می شمرد! فرد:

چون طفل اشک عاقبت آن شوخ شوخ چشم

از چشم من برون شد و در روی من دوید

هرگاه خواهم تفصیل احوالات خود را با او نگارم سخن به دور و دراز کشیده از مطلب بازمانم.

مجملی از مفصل آن که بعد از آن همه تربیت عاقبت در خیالات من انگشت ایراد می نهاد و از فرط خودپسندی سخنان حسابی به سمع آن سرکار مقبول نمی افتاد.^۱ مرحله بی لطفی او به جایی کشید که وقتی در دیار نهاوند قاصد جانم گردید، به انواع لطایف الحیل از چنگ او رستم و به چاکران درگاه صاحبقران روزگار پیوستم.

در اجرای سیاست زیاده سفاک بود و در هر فنی از فنون سواری و تیراندازی و جریذبازی با وقوف و بی باک. اکثر اوقات حریفان را در جولان بازی از ضرب جرید سر و پا می شکست و به ضرب گلوله تفنگ، جسم طیور تیزبال را در هوا می خست. چندی در دیار لرستان فیلی و ملک نهاوند حکمفرما بود و مجرمان را در دیگ نهاده جسم ایشان را از جوش آتش می فرسود. حاجی محمد مهدی مشهور به مولوی نهاوندی را که مرد حکیم فاضل دانشمندی بود به ظهور اندک جرمی از صدمه طناب ستم از میان برداشت و نام این بی رحمی را «سیاست مدن» گذاشت!

۱. در حالی که محمود میرزا در شرح حال میرزا فضل الله خاوری می نویسد: «اگرچه تصرفی بجا در کلامش و دقتی سزا کسی به اشعارش کند به غرور سیادت نپذیرد، چنان که من پارسال گذشته این ماجرا را عیان دیدم و بسیار در این باب آزردمش و بهره ای بجز لجاج به دست نیامد» (سفینه المحمود، ص ۵۵۸).

قلعه روئین دز نهانند که از عجایب روزگار است به انضمام عمارت و میدان و کاروانسرا و بازار در اندرون شهر، و باغ شاه و کاخ همایون در خارج [شهر] از مستحذات او است و الحق هر یک از آنها در نظر ارباب بینش بغایت مستحسن و نیکو است.

بر حسب امر صاحبقران فلک صدر از ایام طفولیت در حجر جناب میرزا محمد شفیع صدراعظم پروریده شد و بالاخره بر روی او نیز دویده شاهنشاه آگاه را از حرکات او روز به روز رنجشی تازه دست می‌داد و باز به سبب وفور حب اولاد، ابواب عفو و اغماض بر چهره او می‌گشاد. بعد از فوت خاقان مغفور تاکنون در دارالارشاد اردبیل با جمعی از برادران گرفتار است و در محبس نیز به سبب فرار از صحبت اخوان، دائماً در آزار. اللهم اصلح عواقب اموره.^۱

درباره بیان‌المحمود

همان‌طور که گفته شد، مؤلف کتاب دیگری به نام سفینه‌المحمود داشته که آن هم تذکره شعرای عصر قاجار است. اشعاری که در سفینه‌المحمود و بیان‌المحمود آمده، تقریباً یکی هستند، الا این‌که:

۱- تمام اشعاری که در بیان‌المحمود آمده، غزل است - به جز مواردی خاص - در حالی که در سفینه‌المحمود از انواع قوالب شعری استفاده شده است.

۲- در بیان‌المحمود از شعرائی اسم و شعر آمده که در سفینه‌المحمود - و حتی در فرهنگ سخنوران - اثری از آنان دیده نمی‌شود؛ مثل: بهجتی توپسرکانی، ریائی اصفهانی، ساغر خزائی، حبیب شیرازی، محمدتقی ملایری، حیران قاجار، مهدی بیک شقاقی، مصور خمسه، رهی اصفهانی، سالم اصفهانی، طرب مرودشتی؛ بنابراین بیان‌المحمود یکی از منابع مهم تحقیق در شعر دوره قاجاریه است.

۳- تعداد غزلهایی که در بیان‌المحمود آمده، بیشتر از غزلهای سفینه‌المحمود است؛ مثلاً غزلهای نشاطی ساکی و مجمر اصفهانی و عابد اصفهانی و عاشق اصفهانی و انیس نهانندی.

۴- مرحوم عبدالرسول خیام‌پور در تصحیح سفینه‌المحمود فقط به دو نسخه خطی دسترسی داشته‌اند که یکی کامل و دیگری ناقص بوده است. بنابراین در بیشتر صفحات در پاورقی «ظ» گذاشته‌اند، یعنی ظاهراً باید این گونه باشد. در حالی که بنده بیان‌المحمود را با کمک چهار نسخه تصحیح کرده‌ام و حتی یک موضوع مبهم و مسأله حل نشده برایم باقی نماند؛ بنابراین کسانی که در آینده بخواهند دیوان یکی از شعرائی را که شعرشان در این دو کتاب آمده چاپ کنند، می‌توانند با خیال راحت به این کتاب مراجعه کنند.

۵- محمود میرزا بیان‌المحمود را در بیست و شش سالگی تألیف کرده؛ چون در همین کتاب می‌گوید: «من بماندم همه از سال شده بیست و اند».

۶- مؤلف در همین کتاب گفته که تا آن زمان هفتاد هزار بیت تألیف و تصنیف داشته است.

۷- مؤلف به تاریخ تألیف بیان‌المحمود که ۱۲۴۰ است، چنین اشاره می‌کند: «این باغ پر گل و ساغر لبریز از مل در اواخر سال یک هزار و دویست و چهل در کمال افسردگی و کوفته‌خاطری در دارالنشاط نه‌آوند صورت اتمام پذیرفت».^۱
«و بفضل الله تعالی تمام شد بیان محمود در اواخر سال یک هزار و دویست و چهل در باغ‌شاه واقع در ملک نه‌آوند که از مستحدثات این مستمند است».^۲

۸- او هم مانند بقیه شعرا درباره شعر خود چنین لاف می‌زند:
به پیش گفته محمود بستند لب از گفتن همه شیرین زبانان!
و یا:

نگرد شاه گر از چشم عنایت، محمود رونق در و گهر می‌شکند اشعارم
۹- شمار شعرائی که اشعارشان در این کتاب آمده، سیصد و شش نفر و کل ابیاتی که در بیان‌المحمود نقل شده، ۳۸۵۸ بیت است.

۱۰- استاد فقید احمد گلچین معانی که در تاریخ تذکرة‌های فارسی برای هر تذکرة ایراد یا ایراداتی آورده‌اند، خوشبختانه هیچ ایرادی از این تذکرة نگرفته‌اند.

۱. بیان‌المحمود، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۵۱.

نسخ خطی مورد استفاده

در هنگام تصحیح بیان‌المحمود از چهار نسخه خطی آن استفاده کردم که عبارتند از:

۱- نسخه خطی شماره ۸۹۵ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (شورای ملی سابق) که به خط نستعلیق خوب در ۱۴۳ برگ ۱۵ سطری نوشته شده است. نسخه از اول و آخر کامل است، اما نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. رمز این نسخه را «مج» گذاشتم.

۲- نسخه خطی شماره ۳۶۵۵ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد ملی ملک. این نسخه به خط شکسته نستعلیق در ۱۷۶ برگ ۱۳ سطری نوشته شده. از اول و آخر کامل است؛ اما نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد. رمز این نسخه را «مک» گذاشتم.

۳- نسخه خطی شماره ۱۲۸۳۳ کتابخانه بزرگ آیت‌الله العظمی نجفی مرعشی که به خط شکسته نستعلیق در ۱۱۲ برگ ۲۰ سطری نوشته شده است. نام کاتب ندارد، اما امضای غلامحسین کاشانی را در ۲۳ شهر صفرالمظفر ۱۲۹۸ در جاجرود دارد. این نسخه از اول و آخر کامل می‌باشد. رمز آن را «عش» گذاشتم.

۴- نسخه خطی شماره ۶۰۹۸ کتابخانه، موزه و مرکز اسناد دانشگاه تهران که به خط نستعلیق در ۲۹۴ صفحه ۱۵ سطری نوشته شده. تاریخ کتابت نسخه ۱۲۴۵ و نام کاتب را ندارد. از اول و آخر کامل است. رمز این نسخه را «نش» گذاشتم.

روش تصحیح

هیچ کدام از چهار نسخه را اصل قرار ندادم، بلکه سعی کردم کاملترین و بهترین مورد را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم و چون همه کتاب شعر است، کوچکترین اختلاف نسخ را در پاورقی آوردم. اگر در مواردی نسخه‌ها در نام شاعر یا در یک لغت اختلاف داشتند، از سفینه‌المحمود، حدیقه‌الشعرا، مجمع‌الفصحاح، آشکده آذر، و ریاض‌العارفین کمک گرفتم؛ اما در همه حال ضبط نسخه‌های بیان‌المحمود برایم اولویت داشت.

تشکر

خدای را شاکرم که در سایه سلامتی که به من ارزانی داشت، توانستم دین دیگری را به کشورم و به زبان فارسی ادا کنم. فحماً اُثم حمداً بعد حمداً.

اگر محبت‌های همکاران عزیزم مسئولان بخش خطی کتابخانه‌های مختلف نبود، این کتاب به این زیبایی چاپ نمی‌شد. وظیفه خودم می‌دانم از مراحم آنان سپاسگزاری و برای وجود عزیزشان سلامت آرزو کنم.

۱- دانشمند بزرگوار جناب آقای دکتر محمود مرعشی ریاست محترم کتابخانه بزرگ نجفی مرعشی.

۲- جنابان آقایان سهراب یکه زارع، محمود نظری، مهدی سجادیان و علی قلعه‌خندابی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۳- سرکار خانم مهتاب‌صفا ریاست محترم بخش خطی و همکاران بزرگوارشان در کتابخانه ملی ملک.

۴- سرکارها خانمها دکتر سوسن اصیلی، فریبا حری و فرشیده کونانی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۵- و همسر فرزانه‌ام سرکار خانم شهرزاد سپاهیان.

۶- مسئولان محترم انتشارات اطلاعات.

میرهاشم محدث

شهریور ماه ۱۳۹۳

چنان محمود در پیش نهادند مبرور و سببی نه من نگردد و که او دستار
 شادمان مرخصت و چپ بود و اندکس من نصف نگردد و بشود و گنگ
 مرد خرد و پند شنی از نبرد و شوق
 که رفت که کوبه و صفتش
 پدبانه و بنت و خفت و غر و جود
 بکنده کوشه و در بای جود
 شک که از بی قیوم عالم
 دین منی جلال و حسن
 به منت و نیر و رسم بلی لال
 در ده و شش و زین بر سر و فر کجاست عالم کجاست و کجاست که بیده و ما
 علما و اشتر و ما منی و دن بر او که و تر و کجاست پس از همه شهور و غایت
 سخن بنی مطیع و بود و کجاست در آل عامه بر او که و با جاست و غایت
 و در کان و ملک و صفات صفات عالم ملک که شایع به بهیات و به
 مستقیم بکمال است شنی صفات شرف بن و موافق و زمان جمال



نمونه بیان المحمود از نسخه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - صفحه آخر

ایمانیه بیان محسنود

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان محمود در پیش خداوند معبود بجا نه عن التمجید والحدود و تسبیش ثابان
مرحمت واجب الوجوه انیس بن محض افکره السهری از ممکن مجال خواهد بود

نمونه بیان المحمود از نسخه دانشگاه تهران - صفحه اول

چون شمار از غنای رقصه قدر بود تو
 آب حیوان چون حاکم در کتب نجوم
 حوت تبار که غم تو نبیند آسمان
 بوقت انوار اگر همچو زار در سر شود
 طرفه ترکوبن همه از بهر همه خود بود
 آخر از نیم بیت محضه از سوز زیت
 در زمانه خشن که این فرغ بیان ادا
 گمانه جزا در این بیان نرسد
 زین پس با مرغ عرشم به سلام و صلوات
 بر این نامه خواهر شد ز نام شهریار
 ز دیب و نجش در قلم گلستان بویون سپهر

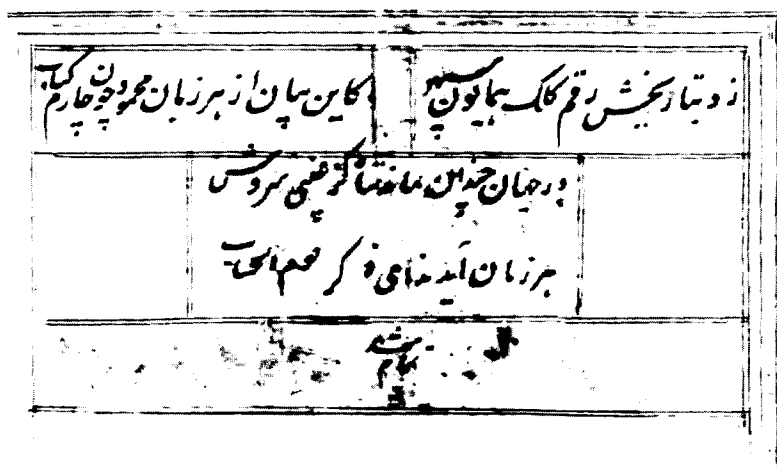
آفرینش چیست تا اینجا در اید حساب
 مانند اندر پرده ظلمت بهمان فرغ غائب
 خود قضا کشتن مر آن آبر سر فر اندر جلالت
 در که تو این زبان به نفاذ انا را ماب
 اینجا که در دشمنان فرغ روشن آفتاب
 بس بنا که تو در هر پست پیر ز نایب
 جبر سیر است کو نه مغر و فقر خطاب
 اهر و کف نیران آنه شئی عجاب
 زین پس یاد هر صدم سپهر ال و بهر جاب
 داد که متعجب نشه خسرو مالک ز غلب
 کاین بیان از بهر زبان همچو خرم خادم کتاب

در جهان چندان بماند از غیر سر دیش

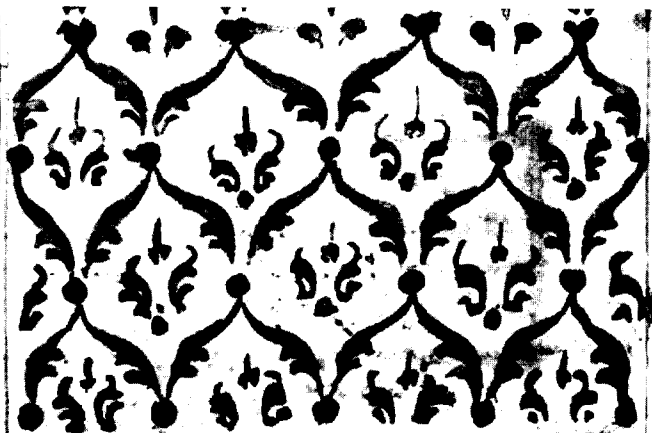
هر زن آید نه از دلک یوالم حساب

این چند خط از الفصحی شانه اده که در الفهرده است و الفصحی میرزا آقاخان قزوینی ۱۲۴۹





نمونه بیان المعمود از نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی - صفحه آخر



بسم الله الرحمن الرحيم
 چنانچه که باشد خدای تعالی در حق تعالی
 واجب الوجود است و صفاتش و صفاتش و صفاتش

شهر که بود او در حق تعالی	او او از حق تعالی
کوا قدرت که بود او در حق تعالی	او او از حق تعالی
چو شد ذات حق تعالی	او او از حق تعالی
نیکو که بود او در حق تعالی	او او از حق تعالی
نعمت که بود او در حق تعالی	او او از حق تعالی
چو شد ذات حق تعالی	او او از حق تعالی

این کتاب از کتب خطی است که در کتابخانه ملک موجود است و این نسخه از نسخه خطی است که در کتابخانه ملک موجود است و این نسخه از نسخه خطی است که در کتابخانه ملک موجود است

این کتاب از کتب خطی است که در کتابخانه ملک موجود است و این نسخه از نسخه خطی است که در کتابخانه ملک موجود است و این نسخه از نسخه خطی است که در کتابخانه ملک موجود است

سکنه حیوان خطی می‌داند و خطی سکنه رکی می‌داند
 اگر که از ظلمات بیاید و بشود از زلف مزاج بناید و بشود
 اگر مقصدش از حیوان بداند که در مسافت جبرامیدود
 جو امور از زنده و در حقیقت معانی بطور است می‌داند
 منظر قدرته باخ کورنه عجب بر یازوب کرد و معلومه سنون این
 نشان از زلفه با روت صفت هر دو در رختن خوانند هر خط و خط
 یار بر آن حال سیه بر زلفه که نقطه هر جا غلط افتاد و خط سیه
 او و نون عاشق حقیقت که جاننده در دلد عشق شود و عقل
 بد به نشان با زکی عوذه که بر زکی زفره افرا زکی بر طول
 دبه با جواب که باره ز در سیه گفته بیاید که ز فغان و کمر سیه
 خواهم گفته به نشان در سیه هر حق و خوشی خوشی ز فغان که با ترک در سیه
 یار با جه احمد مختار و عقل کل یار با آله و عقیده نفس کل
 در د حق را تو نموده در هاشم که داده تو با احتیاط کل

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان محمود در ستایش خداوند معبود، سبحانه عن التحدید و الحدود، و ستایش شایان مر^۱ حضرت واجب الوجود اقدس عن وصف الشکر و الشهود از ممکن محال خواهد بود. لمؤلفه:

چه او از عجز گفتی ما عرفناک	[شهی کز بهر او شد خلق افلاک
که می داند به جز ذاتش صفاتش	که را قدرت که گوید وصف ذاتش
به وصف او بیانی نیست محمود	چو باشد ذات و فعلش غیر محدود
تعالی شأنه عما یقولون	نگنجد کوزه را دریای جیحون
خداوند جهان و رب اعظم	تعالی الله زهی قیوم عالم
که عارف تر به حق حق نیست	در این معنی مجال طعن و دق نیست
سلامی کن نثار احمد و آل ^۲	به نعت لایقی هم عالمی لال

و درود بی مثل و قرین بر سر دفتر کلیات عالم تکوین و ستوده خاصه کریمه و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له ان هو الا ذکر و قرآن مبین.^۳ لمؤلفه:

۱. مج: «بر».

۲. در نسخه نش به خاطر و ضالی نیست.

۳. سوره یس، آیه ۶۹.

محمد شهنسوار قاب قوسین^۱ نخستین مطلع دیوان کونین
و بر آل طاهرین او که رباعیات عناصر و ارکان افلاک، و قطعات طبقات عالم
[خاک]^۲ از نتایج بدیهیات^۳ ذات مستجمع الکمالات مستغنی الصفات اشرف ایشان و
موازین اوزان اعمال بندگانند من هذا الآن الی یوم ینادی المناد.

اما بعد

چنین گوید نیازمند [درگاه]^۴ حضرت ملک جبار، محمود قاجار، که ژولیده
ثمری از اغصان شجره طیبه مبارک شاهنشاهی، و پژمرده گلی از گلستان ارم‌نشان
حضرت ظل‌اللهی است که چون در اتمام کتاب سفینه‌المحمود که در ذکر احوال
و اقوال شعرای معاصرین است از لطف جناب ملک علام و از مراحم شاهنشاه
کیوان غلام توفیق یافت، در گلشن پژمرده خیال، خار این مدعا دامن همت را گرفت
که شاید جوانان نوخیال، و موزون‌طبعان تازه مقال به جهت الزام خصم در مشاعره، از
پی اشعاری روند که اول و آخر آن یک حرف باشد، پس این مدعا را ملاحظه کرده، بر
حسن کتاب از این ترتیب تازگی افزودیم.

[بنای]^۵ تألیف این ذخیره را که درجی است پر از لثالی شاهوار و جمله غزل
باشد، بعد از استمداد از فضل اله و برکات مقربین درگاه، به نیروی اقبال بلند مصون
از زوال، و قوت طالع سعادت‌مند مأمون از وبال اعلی حضرت قدر قدرت مریخ صولت
سپهر مرتبت، رافع لوای شوکت ملت بیضای احمدی و قوت بازوی شریعت‌غرای
محمدی، [صلی‌الله علیه و آله]^۶ ملک الملوک، ملاذ العنادید، ابوالسیف و الظفر و
الاقتدار، جم احتشام، محمود [غلام]^۷، عرش بارگاه، خورشیدکلاه، السلطان بن
السلطان بن السلطان و الخاقان بن الخاقان السلطان فتحعلی‌شاه قاجار
- خلدالله ملکه - نهاد، و آن را مسمی به بیان‌المحمود نمود، و در ذکر شعرا به تخلص

۱. نش و عش و مک: «قاب و قوسین».

۲. مع ندارد.

۳. مع: «بدیهات».

۴. مع ندارد.

۵. مع ندارد.

۶. مع ندارد.

۷. مع ندارد.

فقط و نسبت هر یک به کدام بلد و فهرستی جداگانه اکتفا کرده، به حشو و زواید نپرداخت و از اطناب مملّ، و ایجاز مخلّ عری و بری ساخت. و از اجرای قصاید و رباعیات و قطعات به کلی چشم پوشیده؛ چرا که اکثر عاشقان و اغلب معشوقان را به مضامین رنگین غزل حاجت افتد و از این سیاق نظم به مدعا نزدیک گردد. و با این تقریب خوشترم آمد که تمام کتاب مستطاب از انتخاب غزل معاصرین باشد و همانا که در خاطر نقش بسته بود، بحمدالله صورت وقوع به هم رسانید.

به علت خالی نبودن از آن ابیات که قصیده و قطعه و رباعی باشد، از زاده‌های طبع خود که بیان محمود آن را ترجمان است و دهان فصاحت را زبان، قصیده‌ای در نکوئی و ستایش این کتاب فرخنده‌مآب، و گریز در مدح خسرو گردون جناب، و قطعه به سیاق قدح و رباعی اشاره به مطلبی و کنایه از مذهبی، ایراد غرض اجرای قصیده ادای مطلب و شاهد حال بوده و به سبب نظم قطعه دست دادن^۱ به سیاق از این گونه کلام و امضای رباعی نیز از پی بصیرت اهل ابصار و ذوی‌الانظار حمل بر خودستائی نخواهند فرمود. ان شاء الله تعالی.

۱. میج: «دست و گردن».